



انحراف تلقی مستشرقان از تصریح آیات قرآن درباره جهاد

مستشرقان، دلیل وقوع جنگ‌های صدر اسلام را غیردفاعی می‌دانند و این در حالی است که قرآن، خروج از اعتدال و تعدی را حتی اگر از طرف مسلمانان علیه مشرکان باشد، از مصادیق تجاوز می‌داند.

مستشرقان، دلیل وقوع جنگ‌های صدر اسلام را غیردفاعی می‌دانند و این در حالی است که قرآن، خروج از اعتدال و تعدی را حتی اگر از طرف مسلمانان علیه مشرکان باشد، از مصادیق تجاوز می‌داند.

اکثر مستشرقان اهداف نبی اکرم(ص) را از جنگ‌های صدر اسلام و غزوات در راستای اهداف مادی تبیین کرده‌اند و سلطه سیاسی و اقتصادی به منظور توسعه اسلام را غایت منظور نبی اکرم(ص) می‌دانسته‌اند. غافل از این‌که دستور به جهاد به عنوان امری قرآنی به سه منظور صادر می‌شده است؛ نخست، تقویت نیروهای نظامی و امکانات جنگی به منظور دفاع از کیان اسلام؛ دوم، مقید بودن در جهاد با کفار معاند و حربی و سوم، وجوب همزیستی با اهل کتاب و مشرکان غیرمعاند.

به طور کلی، مستشرقان هدف جنگ‌های پیامبر را در پنج مورد خلاصه می‌دیدند که یکی از آن نجات مسلمانان از فقر و تنگدستی بوده است. به عنوان مثال ویلیام مونتگومری وات، پیروزی‌های سریع مسلمانان را نه به دلیل اسلام که به دلیل دستیابی به غنائم جنگی می‌داند. وی این گونه عملیات نظامی را در میان اعراب از فرهنگ عام و رایج می‌دانسته است. دلیل دومی که مستشرقین برای غزوات صدر اسلام و مسلمانان بیان می‌کند، اشباع روحیه جنگ طلبی مسلمانان است که حاصل همانندنگاری اعراب جاهلی سابق و مسلمانان است. آن‌ها دستور جهاد پیامبر(ص) را پاسخی به روحیه ستیزه‌گری اعراب می‌دانند.

مؤلف فصل تاریخ اسلام کمبریج، غزوه و مغازی را برای اعراب نوعی ورزش می‌داند که پیشه مردم چادرنشین بوده است. دلیل سوم در نظر برخی از مستشرقین این بوده که اسلام اساساً دین خشونت است و به همین دلیل برای سرکوب پیروان ادیان دیگر و گسترش اسلام، به جهاد می‌پرداخته‌اند. در نظر آن‌ها، چون اسلام دایره خود را جهانی می‌بیند، در نتیجه برای گسترش امر قدسی خود از حرب و جهاد بهره می‌گیرد. در تصور آن‌ها جهاد علیه هر غیرمسلمانی بی هیچ دلیل صورت می‌گیرد تا آن‌ها منقاد دین اسلام شوند. انتقام‌گیری و تسویه حساب‌های قومی و قبیله‌ای از دیگر مواردی بود که به عنوان دلیل چهارم بر جهاد و غزوات برشمرده می‌شد. به زعم آن‌ها وقتی که مسلمانان از مکه رانده شده بودند، به موقع بازگشت به این شهر، از آن جا که تدوین یک توافق نامه صلح غیرممکن می‌نمود، راهی به جز جهاد باقی نمی‌ماند. دلیل پنجمی که مستشرقین برای جهاد برشمرده‌اند، دفاع از مسلمانان بود. در این نوع از دلیل آوری، حضرت محمد(ص) با حضرت موسی(ع) مقایسه شده است که وی نیز برای نجات قومش مجبور بوده که دست به خشونت بزند. در این نگاه، پیامبر(ص) با رویکرد خشن به مردم نزدیک نمی‌شده و تنها برای حفظ و نجات مسلمین دست به نزاع و جهاد بر می‌داشته است.

ارزیابی دیدگاه مستشرقان از منظر قرآن

خاورشناسان همه جنگ‌های زمان صدر اسلام را از جنس جنگ‌هایی می‌دانستند که هجومی بوده‌اند و انگیزه‌های شخصی از این مسیر محقق می‌شده است. اما چیزی که در واقع دارای اهمیت است، این است که این اظهارات با آن چه که در قرآن آمده است و به عنوان نقشه راه تمامی مسلمین نیز بوده است، هم‌خوانی ندارد.

یک اصل قرآنی این است که جهاد اساساً ابزاری دفاعی است و از نظر قرآن، هدف همه جنگ‌های اوایل ظهور اسلام، حفظ کیان مسلمین در برابر مشرکین بوده است. دفاع از امور ضروری و فطری بشر است و اسلام برای دفاع دلیلی جز این بیان نکرده است. در واقع جهاد به عنوان دفاعی مشروع مطرح نشده بود، مراکز عبادت و بندگی از بین می‌رفت.

اسلام دینی مسالمت‌آمیز است که همیشه به رعایت حق و باطل توصیه کرده است و چنین دینی به هیچ وجه ظلم را توصیه نمی‌کند و این در حالی است که ظلم‌پذیری را برای هیچ شخصی از اشخاص جهان نمی‌پذیرد. جنگ به قصد دفاع نه تنها در اسلام، بلکه در هیچ یک از ادیان و مسالک بشری امری مذموم نیست و برعکس بر آن توصیه نیز می‌شود.

دلایل قرآنی در دفاعی بودن جهاد

دلایل متعددی را از قرآن می‌توان ارائه کرد که جنگ‌هایی که در صدر اسلام رخ می‌داده، ماهیتی دفاعی داشته است. به عنوان مثال، این آیه از قرآن «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوٌّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُفْقَهُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» و هرچه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هرچیزی در راه خدا خرج کنید، پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت» (انفال/۶۰) تقویت قوا برای جنگ را محدود به حدود خاصی کرده است.

در این آیه، هدف از تجهیز سپاه چیزی جز آماده‌سازی برای ترسانیدن دشمنان خدا نیست، تا آنان طمع به جان و مال مسلمین پیدا نکنند. به تبیین این آیه، به هیچ وجه نمی‌توان اهداف مالی و اقتصادی و سیاسی برای جنگ برگزید.

محدودیت جنگ با مقاتلان از موارد دیگری است که به استناد آیات قرآن می‌توان از دستورات جهادی دریافت کرد. در این آیه

آمده «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه درنگذريد، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (بقره/190). این آیه نیز به صراحت خروج از حد دفاع را تجاوزکاری و مذموم برمی‌شمارد.

فهم این‌که طبق این آیه شریفه، خروج از حد اعتدال به هیچ وجه پذیرفته نیست، دشوار نیست و اسلام جنگی که از اعتدال خارج باشد را تجاوز می‌داند، حتی اگر در طرف مقابل مسلمانان، مشرکین قرار داشته باشند. این خود از مسائلی است که به لحاظ کیفی مفهوم و هدف جنگ را در اسلام نسبت به همه جنگ‌های دیگر متفاوت می‌داند.

از دیگر دلایل دفاعی بودن جنگ در اسلام، وجوب زندگی مسالمت‌آمیز در کنار اهل کتاب و افراد غیرمعاند است که در قرآن آمده «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ [اما] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد» (ممتحنه/8).

از این آیه چنین بر می‌آید که افراد می‌توانند بر عقیده خود باشند و در عین این که بر مشی هستند که در اسلام کفر و شرک نامیده می‌شود، اگر با مسلمانان به قتال برنخیزند، به استناد همین آیه با آنها می‌توان به محبت رفتار کرد و در کنار آنها به زندگی پرداخت و هرگونه عملی که خلاف این باشد، مصداق تعدی و ظلم است.